یادداشت روز

آنجا خبری نیست

اگر در دو هفته گذشته مخاطب رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه بودید حتما به این نتیجه می‌رسیدید که جمهوری اسلامی آخرین روزهای خود را سپری می‌کند؛ اگر اخبار را فقط در شبکه اجتماعی اینستاگرام دنبال می‌کردید مطمئنا خودتان را برای ۴۸ ساعت پایانی رژیم[!] آماده می‌کردید و اگر از کاربران پَروپا قرص توئیتر می‌بودید، آنجا دیگر جمهوری اسلامی سرنگون شده و بحث بر سر طراحی پرچم حکومت جدید ایران بود! اما واقعیت میدانی نیز چنین اخباری را تأیید می‌کرد؟

بیایید به یک تجربه تاریخی نه‌چندان دور مراجعه کنیم. تقریبا ۵ سال پیش در دی‌ماه ۱۳۹۶ ناتوانی دولت دوازدهم در عمل به وعده‌های اقتصادی خود و افزایش سرسام‌آور تورم در حالی که برجام هنوز برقرار بود، زمینه‌ساز موجی از اعتراضات در شهرهای مختلف ایران شد. اعتراضاتی که خاستگاهی اقتصادی و فراگیر داشت اما با گذشت زمان تبدیل به آشوب و اغتشاش شد و مردم معترض در ادامه از همراهی با آشوبگران و اقدامات ساختارشکنانه آنها خودداری کردند. حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ چه از نظر تعداد افراد و چه از نظر تعداد شهرهای درگیر، بزرگ‌تر از آشوب آبان ۱۳۹۸ و به مراتب گسترده‌تر از اغتشاشات این روزها بود.(دی‌ماه ۱۳۹۶ حدود ۱۶۰ شهر و در آبان ۱۳۹۸ حدود ۱۰۰ شهر درگیر بودند.) در بحبوحه آشوب‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ نیز در فضای غالب شبکه‌های اجتماعی، آشوبگران به‌عنوان اکثریت بازنمایی می‌شدند و ادامه عمر جمهوری اسلامی بیش از چند روز تخمین زده نمی‌شد اما ۶ ماه بعد با فروکش کردن آشوب، دانشگاه مریلند آمریکا در تیرماه ۱۳۹۷ نتایج نظرسنجی میدانی خود از مردم ایران پس از حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ را منتشر کرد که با بازنمایی آشوب‌ها در فضای مجازی اختلاف معناداری داشت: «بیشتر ایرانیان از قوه قضائیه می‌خواهند معترضانی(اصطلاحی که در گزارش مریلند آمده) را که علیه اسلام یا نظام حکومتی ایران شعار می‌دادند محاکمه کند... و کسانی را که به اتهام حمله به پلیس، آسیب رساندن به اموال عمومی یا آتش زدن پرچم ایران مجرم شناخته می‌شوند، به شدت مجازات کند.» آن‌طور که گزارش مرکز مطالعات امنیتی و بین‌المللی دانشگاه مریلند می‌گفت: «دو نفر از هر سه نفر موافق برخورد نیروی انتظامی با معترضین[!] بودند. ۷۵ درصد از مردم شدت برخورد نیروی انتظامی را مناسب ارزیابی کرده و یا خواستار برخوردی شدیدتر بودند و تنها ۱۴ درصد معتقد بودند پلیس بیش از حد خشونت به‌کار برده است.» سؤال این بود؛ اکثریت معترضی که در فضای مجازی خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی بودند، کجای میدان واقعیت قرار داشتند؟

۷ ژانویه ۲۰۲۱ (۱۸ دی ۱۳۹۹) مدیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک و اینستاگرام از تعلیق حساب کاربری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا حداقل به مدت دو هفته در این شبکه‌های اجتماعی خبر داد و در توضیح این اقدام گفت: «ما آن را حذف کردیم... زیرا معتقدیم که به جای کاهش خطر به خشونت مداوم کمک می‌کند.»(این تعلیق اندکی بعد به مدت دو سال تا ۲۰۲۳ تمدید شد) دو روز بعد شبکه اجتماعی توئیتر حساب کاربری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا را برای همیشه مسدود کرد و در بیانیه‌ای نوشت: «ما به‌صورت دائمی این حساب کاربری را به‌دلیل خطر ترغیب به ایجاد خشونت بیشتر، مسدود کرده‌ایم.» سه روز بعد حساب ترامپ در شبکه اجتماعی یوتیوب نیز ابتدا به‌صورت موقت و سپس برای مدتی نامعلوم تعلیق شد. سخنگوی یوتیوب در این زمینه گفت: «با توجه به نگرانی‌ها درباره احتمال افزایش خشونت، کانال دونالد ترامپ همچنان در وضعیت تعلیق باقی می‌ماند.» این اتفاق در حالی می‌افتاد که ترامپ میلیون‌ها دنبال‌کننده در این شبکه‌های اجتماعی داشت، تنها در توئیتر دنبال‌کنندگان او به بیش از ۸۸ میلیون می‌رسید و همچنین بیش از ۷۵ میلیون نفر از مردم آمریکا نیز در انتخابات ریاست‌جمهوری همان سال به او رأی داده بودند. دونالد ترامپ در حالی که هنوز به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده قدرتمندترین فرد اجرایی این کشور بود، پیش از ترک کاخ سفید به علت ترویج و دامن‌زدن به خشونت، امکان هرگونه فعالیت در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی را از دست داد. او برای ارتباط با هوادارانش یک وبلاگ راه‌اندازی کرد اما آن وبلاگ نیز در کمتر از یک ماه مسدود شد. ترامپ با سرمایه شخصی‌اش شبکه اجتماعی مخصوص خود به نام «تروث سوشال»(truth social) را پایه‌گذاری کرد اما مدتی بعد این نرم‌افزار نیز از فروشگاه رسمی نرم‌افزار گوگل حذف شد تا دسترسی کاربران گوشی‌های هوشمند به شبکه اجتماعی ترامپ محدود شود. مثل همیشه علت این اقدام یک چیز عنوان شد: «تشویق به خشونت».

ترامپ هرگز در حساب کاربری‌اش ساخت کوکتل مولوتوف، خلع سلاح پلیس، حمله به نیروهای امنیتی و... را آموزش نمی‌داد. همه این محدودیت‌ها برای رئیس‌جمهور وقت آمریکا فقط به‌دلیل تصرف ساختمان کنگره توسط هوادارانش و سکوت او رخ داد. بر این اساس تعلیق حساب‌های کاربری مؤثر در آشوب‌های اخیر ایران که به ترویج خشونت علیه پلیس و تخریب اموال عمومی در شبکه‌های اجتماعی اقدام می‌کردند؛ انتظاری کاملا منطقی بود. اما هرگز چنین اتفاقی از جانب توئیتر، فیس‌بوک، اینستاگرام و یوتیوب رخ نداد.

محتوای حساب‌های کاربری شاخص که مملو از نفرت‌پراکنی، تشویق به خشونت، درگیری و تخریب اموال عمومی بود هرگز حذف نشد و صفحات این کاربران از دسترس خارج نشدند. نه‌تنها این اتفاق رخ نداد بلکه توییتر با زبان فارسی در حساب رسمی خود به کاربرانش آموزش داد که چگونه موقعیت مکانی خود را مخفی نگه دارند و چگونه با حفاظت از داده‌های خود در این شبکه اجتماعی ردپای مجازی خود را از دسترس خارج کنند تا در صورت دستگیری خطری متوجه‌شان نباشد. توییتر سکویی بی‌طرف برای ارتباط افراد و انتشار آزاد اطلاعات نبود، آنها آشکارا یک سوی نزاع ایستاده بودند و خدمات مشاوره آشوب ارائه می‌دادند. همین رویکرد در مورد شرکت متا(مالک فیس‌بوک، اینستاگرام و واتساپ) نیز صدق می‌کرد. متا در اولین موضع‌گیری خود بدون پذیرش و یا حتی تحقیق درباره نقش سکوهایش برای ترویج خشونت در ایران، خواستار «احیای حق مردم ایران برای دسترسی به اینترنت» شد. متا مدتی بعد تصریح کرد: «ما نه دسترسی به اپلیکیشن‌هایمان در ایران را محدود کرده‌ایم و نه صدای کسی را به نفع دولت ایران سانسور می‌کنیم. تمرکز ما بر فراهم کردن امکان دسترسی هرچه بیشتر کاربران به خدمات و انتشار محتوای مدنظر آنهاست.» این در حالی بود که آنها پیش‌تر سابقه محدود کردن محتوای کاربران در موردی مشابه را داشتند و شبکه‌ای از حساب‌های کاربری جعلی طرفدار ترامپ را شناسایی و مسدود کرده بودند. طبق اعلام شرکت متا این شبکه شامل ۶۱۰ حساب کاربری، ۸۹ صفحه فیس‌بوک، ۱۵۶ گروه و ۷۲ حساب اینستاگرامی می‌شد که ۵۵ میلیون نفر را تحت تأثیر خود قرار داده بود. توئیتر نیز حساب کاربری واقعی ۷۰ هزار طرفدار ترامپ را به‌دلیل خشونت‌طلبی مسدود کرده بود. ظاهرا از نظر این خدمات‌رسان‌های عمده شبکه‌های اجتماعی، قوانین مربوط به ترویج خشونت شامل کاربران ایرانی نمی‌شد و آنها به هیچ عنوان حاضر به شناسایی حساب‌های جعلی و یا محدودسازی حساب‌های واقعی مروج خشونت در ایران نبودند. مسیری که آنها طی می‌کردند و برخلاف قوانین خود، کاربران ایرانی را به آن سوق می‌دادند به حداکثر رساندن خشونت، آشوب و ویرانی در خیابان‌های ایران بود. در حوادث اخیر ایران، حتی موتور جست‌وجوی گوگل نیز بی‌طرف نبود. این شرکت در اقدامی بی‌سابقه پیوند فیلترشکن خود را در صفحه اصلی موتور جست‌وجوی فارسی گوگل قرار داد تا دسترسی به محتوای خشونت‌طلبانه را تسهیل کند.

این رخدادها ظاهری‌ترین سطح از واقعیتی است که می‌گوید تولید، انتشار و توزیع محتوا در فضای مجازی توسط ابرشرکت‌های خدمات‌رسان این حوزه، سوگیرانه مدیریت می‌شود. در سطحی عمیق‌تر الگوریتم‌های سازنده این خدمات هستند؛ آنها تعیین می‌کنند چه چیزی را ببینید، چه چیزی را باور کنید و حتی چگونه فکر کنید. حالا شاید به پاسخ سؤال‌مان رسیده باشیم؛ اختلاف معنادار فضای مجازی با فضای واقعی از این جهت‌گیری ساختاری ناشی می‌شود. در این فضا محتواهایی با کلیدواژه‌های همسو (مانند «مهسا امینی» یا «حجاب اجباری») صدایی بلندتر و پژواکی بیشتر از محتوایی با کلیدواژه‌های ناهمسو (مانند «سلیمانی» یا «الاقصی») پیدا خواهند کرد و در نتیجه بازنمایی اکثریت و اقلیت مطابق واقع نخواهد بود. با این حساب جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد اما فقط در دنیای مجازی؛ برای مشاهده واقعیت کافی است گوشی هوشمند خود را کمی کنار بگذارید، به بیرون بروید و در دنیای حقیقی با امنیتی که جمهوری اسلامی در یکی از ناامن‌ترین مناطق جهان برای‌تان پدید آورده از قدم‌زدن در خیابان لذت ببرید و ببینید آن بیرون خبری نیست!

سید محمدعماد اعرابی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

نوچه‌های داعش ناامید از مردم به سطل‌های زباله آویزان شدند!

دشمن کم‌آورده، تودهنی خورده و ناامیَد از ملت مؤمن، آگاه و مبارز، دیروز اوباش اجاره‌ای خود را به‌عنوان نوچه‌های داعش به خیابان فرستاد، آنها هم خوراک‌شان محتوای سطل‌های زباله است که به آتش بکشند و فرار کنند. تروریست‌های بدبخت اجاره‌ای که هر لحظه و هرچه سریع‌تر در تور سربازان و پاسداران گمنام و امنیت‌ساز امام زمان(عج) گیر خواهند کرد.

افعی سر خود را به دیوار می‌کوبد؛ این حال و روز جبهه درمانده معارض انقلاب اسلامی است که علی‌رغم نهایت به‌کار بستن دشمنی خود، ایران قوی و ملت آگاه و وفادار ایران اسلامی را می‌بیند و تروریست‌های اجاره‌ای خود را به خیابان می‌فرستد و عقده‌گشایی می‌کند. دیروز عده اندکی اوباش اجاره‌ای دشمن در برخی نقاط سطل زباله آتش زدند و راهبندان ایجاد کردند.

دشمن کم‌آورده، تودهنی خورده و ناامید از ملّت مؤمن و مبارز تقلای تعطیلی چرخه اقتصاد و آموزش در کشور دارد. دشمن فاقد پایگاه میان مردم است و می‌خواهد با اوباش اجاره‌ای خود چوب لای چرخ کسب‌وکار و تولید علم و فناوری بگذارد.

حتی پزشکی خبر داد که اوباش در سنندج، کسبه‌ای را که حاضر به تعطیلی مغازه‌های خود نشده‌اند، مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند به‌طوری‌که در بیمارستان بستری شده‌اند. در بازار تهران هم اغتشاشگران کسبه را به بستن مغازه‌ها مجبور می‌کردند. آنها تهدید کردند که اگر مغازه‌ها بسته نشود، آتش می‌زنند. در خیابان خودروها را مجبور به بوق زدن می‌کردند و خودروی راننده‌ای را که به آنها بی‌اعتنایی می‌کرد، با لگد می‌کوبیدند. برخی سلبریتی‌های بی‌حیثیت نیز همانند افراطیون مدعی اصلاحات(بقایای فتنه ۸۸) عامل نیابتی دشمن در داخل شده‌اند و آتش تهیه می‌ریزند. به سادگی وطن و ملت خود را می‌فروشند و همصدا و همکار دشمن شده‌اند. این دو طیف به‌عنوان پادوی داخلی و مجری توطئه دشمن و برهم‌زنندگان امنیت کی قرار است متلاشی شوند؟ چقدر باید گذاشت از آزادی سوءاستفاده کنند و علیه انقلاب و نظام اسلامی که ثمره خون هزاران شهید است، با دشمن هم‌پیاله شوند؟ تا کی باید بتوانند هر روز واقعیت را تحریف و وارونه‌نمایی کنند؟ سیاست‌های ضدایرانی آمریکا و اروپا را تبرئه و توجیه کنند؟ نظام اسلامی را در برابر زورگویی غرب تخطئه کنند؟ در مبانی اسلام و انقلاب تشکیک و مقدسات را آماج حمله قرار دهند؟ دروغ‌پراکنی و اذهان را مشوش کنند؟ سوژه‌ها و گزارش‌هایشان با رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب، هم‌پوشانی داشته باشد؟ و هرچند سال فتنه و غائله به پا کنند و امنیت مردم را بگیرند؟ دستگاه‌های قضایی، امنیتی، انتظامی و نظامی همان‌گونه که سر افعی را در آن سوی مرزها زدند، باید اشرار مدعی اصلاحات و برخی سلبریتی‌ها را که تحریک به آشوبگری و آتش زدن اموال مردم کردند و موجب خسارات گسترده به جان و مال مردم و امنیت کشور شدند، تحت تعقیب و مجازات قرار دهند.

توهّم اینترنشنال دانشگاه الزهرا(س)را به خیابان شریعتی برد! دلارهای بن‌سلمان عقل را هم ضایع می‌کند

دیروز تلویزیون سعودی ایران اینترنشنال ویدیویی که می‌گوید متعلق به خیابان شریعتی است را تجمع دانشجویان دانشگاه الزهراء(س) جا زد!

به گزارش تسنیم، ایران اینترنشنال پس از انتشار خبر حضور آیت‌الله رئیسی در دانشگاه الزهراء(س)، ویدیویی منتشر کرده و می‌گوید مربوط به کشف حجاب دختران در مقابل این دانشگاه در اعتراض به حضور رئیس‌جمهور است! گوینده سعودی اینترنشنال، می‌گوید که این تصاویر مربوط به ۱۶ مهر و خیابان شریعتی است و ایران اینترنشنال تیتر می‌زند که «دانشجویان دانشگاه الزهرا همزمان با حضور رئیسی، حجاب از سر برداشته و تجمع کردند»!

تلویزیون سعودی در این گزارش دو توهم بزرگ زده است؛ نخست اینکه دانشگاه الزهرا را در عرض چند ساعت از ونک به خیابان شریعتی منتقل کرده، که از قضا کار سنگینی است! هرچند احتمالاً برای کسی که بتواند وجدان خود را برای خیانت به وطن با دلار بن‌سلمان قاتل راضی کند، جابه‌جا کردن کیلومتری دانشگاه هم چندان سخت نیست! کار دیگر تلویزیون سعودی جازدن دانش‌آموز به‌عنوان دانشجوی دانشگاه الزهرا است!

طبق اخبار واصله از خبرنگار میدانی رجانیوز بازار تهران مطابق با روزهای عادی کار خود را آغاز کرده بود. با وجود تحریک بازاریان توسط ضدانقلاب جهت بستن مغازه‌ها، آنها به فعالیت عادی همچون قبل ادامه دادند. همین مسئله باعث خشم آشوبگران شده بود. در حالی که کسبه و مردم مشغول کار و فعالیت روزانه بودند جمعیتی ۴۰ الی ۵۰ نفره با حمله به کانکس ناجا و آتش زدن آن قصد ناامن کردن فعالیت اقتصادی مردم را داشتند. این جمعیت کوچک با شکستن شیشه‌های دادگستری تلاش داشت تا بازار را ناامن کنند که با برخورد نیروهای انتظامی مواجه شده و از بازار به سمت پارک‌شهر و خیابان‌های اطراف پراکنده شدند. جمعیتی حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر هم در خیابان لاله‌زار با آتش زدن چند سطل زباله سعی در ملتهب کردن فضا داشتند که با پرتاب گاز اشک‌آور مجبور به فرار شدند. بسیاری از کسبه برای در امان ماندن جان و اموال خود ترجیح دادند تا زودتر از روزهای گذشته به کار خود پایان دهند. بازاریان خواهان برخورد شدید و بدون مماشات با اخلالگران امنیت فیزیکی و اقتصادی در تهران و به‌خصوص محل کسب‌وکار مردم هستند.

وظیفه‌شناسی و ازخودگذشتگی بسیجیان ناحیه مقاومت بسیج امام خمینی(ره)

در منطقه ۱۲ تهران که محدوده بازار را شامل می‌شود، بسیجیان ناحیه مقاومت بسیج امام خمینی(ره) با ازخودگذشتگی و ایستادگی مقابل اغتشاشگران آرامش را به بازار برگرداندند. برخی از بسیجیان ناحیه مقاومت بسیج امام‌خمینی(ره) دیروز در راه ایجاد امنیت متحمل جراحت شدید و حتی تخلیه چشم شدند.

بازاریان با اغتشاشگران همراهی نکردند

به گزارش فارس، ظهر شنبه محدوده بازار تهران شاهد حضور محدود اغتشاشگران بود. جمعیتی حدودا ۴۰ نفره از انتهای خیابان پامنار به سمت ابتدای این خیابان حرکت کردند و خواستار حمایت بازاریان از اغتشاشات شدند. جوانی که پیراهنی قرمز بر تن داشت جلودار اغتشاشگران بود و سعی در تهییج جمعیت داشت. کسبه بازار اما بی‌اعتنا به درخواست اغتشاشگران فقط نظاره‌گر شعارهای آنها بودند. با بی‌توجهی مردم و رسیدن اغتشاشگران به کیوسک نیروی انتظامی که در مقابل خیابان ناصرخسرو قرار داشت ابتدا اغتشاشگران شیشه‌های کیوسک پلیس را شکسته و سپس آن را به آتش کشیدند. اغتشاشگران سپس به محل‌های فروش بلیط ون آسیب وارد کردند و سطل‌های زباله را به آتش کشیدند. در همین لحظات نیروهای انتظامی خود را به محل این اتفاقات رساندند و با شلیک گاز اشک‌آور اغتشاشگران را متفرق کردند. گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران دیروز ضمن تجمع در داخل دانشگاه، شعارهای ساختارشکنانه سر دادند. بخش دیگری از دانشجویان در پاسخ به شعارهای هنجارشکنانه «حیدر حیدر» سر دادند، «ما لشکر امامیم آماده قیامیم» از جمله دیگر شعارهای دانشجویان بود. این تجمعات از مقابل درب اصلی دانشگاه آغاز شد و تا درب دانشکده ادبیات کشیده شد. یکی از مخالفان صف خود را از شعارهای هنجارشکنانه جدا می‌کند و می‌گوید که اعتراض‌شان باید مسالمت‌آمیز و بدون خشونت باشد. همچنین، عده‌ای سعی کردند تا با ایجاد تنش‌های ساختگی و مضاعف، درگیری فیزیکی بین دو طیف را آغاز کنند که البته این اقدامات با هوشیاری دانشجویان بسیجی نتیجه‌ای دربر نداشت. نیروهای بسیج دائما دانشجویان را به آرامش دعوت و به طرف مقابل توصیه کردند تا شعار ساختارشکنانه سر ندهند.

یک نفر توسط ضد انقلاب در سنندج کشته شد؛ ادامه پروژه کشته‌سازی توسط دشمن

دشمن مستأصل پروژه کشته‌سازی خود را ادامه می‌دهد. فرمانده انتظامی استان کردستان در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: یک راننده پراید که حوالی ظهر شنبه در حال عبور در میان آشوبگران در خیابان پاسداران سنندج بود، توسط ضدانقلاب کشته شد.

وی خاطرنشان کرد: نیروهای ضدشورش سلاح جنگی در اختیار ندارند و بررسی‌های ما نشان می‌دهد اساسا نیروهای پلیس در زمان حادثه در این نقطه حضور نداشته‌اند، این موضوع نشان می‌دهد این فرد در قالب پروژه کشته‌سازی توسط ضدانقلاب کشته شده است.

این اقدام ضدانقلاب قبلاً هم سابقه داشته است به طوری که در ابتدای ناآرامی‌های اخیر در کردستان، چهار نفر در شهرهای سقز، دیواندره و دهگلان توسط ضدانقلاب کشته شدند.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

روزنامه انگلیسی: درسته که از مردم ایران تودهنی خوردیم ولی...

روزنامه انگلیسی با اعتراف به اینکه آشوب‌افکنی غرب در ایران شکست خورده و پیش‌بینی مقامات آمریکایی شکست آن بوده، غافلگیری غرب در برابر انقلاب اسلامی ایران را مایه امیدواری برای تکرار چنان اتفاقی دانست!!

روزنامه گاردین در مقاله‌ای نوشت: نگاهی به تاریخ ۴۳ ساله جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که حکومت ایران همواره از خشونت برای سرکوب خواست‌های برحق مردم استفاده کرده است، اما شاید این بار جنبش بدون سر، سرنوشت متفاوتی را رقم بزند.

دست‌کم تا همین اواخر، ارزیابی واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی چنین نبود. در اظهار حمایت کاخ سفید، اعمال برخی تحریم‌ها برای رفع محدودیت از اینترنت در ایران داده شده است. برخی مقامات واشنگتن در نهایت این خیزش را محتوم به سرکوب شدن ارزیابی کرده‌اند. تاریخ جمهوری اسلامی ایران تکرار همین وضع است: آنها سابقه طولانی و موفقی در این زمینه داشته‌اند.

پاتریک وینتور سردبیر بخش دیپلماتیک گاردین، می‌نویسد: شیوه جمهوری اسلامی در گذشته موثر بوده است. در تیر ماه سال ۱۳۷۸، تظاهرات دانشجویان که تعطیل شدن یک روزنامه اصلاح‌طلب مرتبط با رئیس‌جمهور وقت، محمد خاتمی، جرقه‌اش را زد، پایتخت را به صحنه جنگ تبدیل کرد. نیروهای امنیتی سران اعتراضات را بازداشت کردند و پس از شش روز، اعتراضات (آشوب) سرکوب شد. تظاهرات در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، از جمله کارزار یک میلیون امضا در حمایت از برابری حقوقی زنان، سرانجام با دستگیری بیش از ۵۰ نفر از اعضا و خروج بسیاری از آنها از کشور از تب و تاب افتاد. در سال ۱۳۸۸ نیز پس از تقلب در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، جنبش سبز به راه افتاد اما به سرانجام نرسید. ودر سال ۲۰۱۸ هم تظاهرات اعتراضی در پی سه برابر شدن ناگهانی قیمت بنزین بالا گرفت رخ داد.

نویسنده در ادامه، سرشکستگی و غافلگیری انگلیس و آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ملت ایران را مصادره به مطلوب می‌کند و می‌نویسد: «پس اگر بخواهیم از گذشته درس بگیریم، باید فاتحه این دور از اعتراضات را هم بخوانیم. با این همه، ایران توانایی آن را دارد که همه را غافلگیر کند. هر کس که کتاب «غرور و سقوط»، روایت آنتونی پارسونز، سفیر بریتانیا در تهران در سال ۱۳۵۷، از ناتوانیش در پیش‌بینی سرنگونی شاه ایران در آن سال، را خوانده باشد می‌داند که مردم ایران می‌توانند ناظران را به حیرت وادارند».

روزنامه انگلیسی در حالی تلاش کرده با مصادره به مطلوب یک واقعه تاریخی، بر شکست آشوب اخیر سرپوش بگذارد که در ماجرای انقلاب اسلامی، همین ملت ایران به انگلیس و آمریکا و رژیم دست نشانده پهلوی تودهنی زدند و پس از آن نیز با وجود توطئه‌های پیاپی دشمن، پای نظام و انقلاب ایستادند.

زبان‌درازی متهمان فاجعه اقتصادی در دولت روحانی

پنج نفر از مدیران و نظریه‌پردازان اقتصادی موثر در کارنامه فاجعه‌بار دولت سابق، نسبت به شرایط اقتصادی ابراز نگرانی کرده و به حمایت تلویحی از آشوبگران پرداختند.

مسعود نیلی دبیر هماهنگی‌های اقتصادی دولت روحانی به همراه چند عنصر غربگرا و طرفدار نظام سرمایه‌سالاری (محمد طبیبیان، موسی غنی‌نژاد، محمدمهدی بهکیش و حسن درگاهی) در نوشته‌ای، بدون اشاره با آثار سوء توصیه‌های خود در انحرافات اقتصادی دولت‌های هاشمی و خاتمی و روحانی، آورده‌اند: «جامعه ایرانی نسبت به چند دهه اخیر بسیار متحول شده و شکافی بزرگ بین خصوصیات اجتماعی و فرهنگی حال و گذشته به وضوح قابل مشاهده است. موانع زیادی در مسیر تحولات طبیعی جامعه وجود دارد که اگر برطرف نشود مشکلات زیادی ایجاد می‌کند. در سال‌های گذشته تغییرات بزرگی در کمیت و کیفیت جمعیت ایران رخ داده است. یکی از این تغییرهای مهم، افزایش قابل توجه جمعیت ۱۵ تا ۵۰ سال است و دیگری افزایش قابل توجه جمعیت زنان تحصیلکرده. در سال ۱۳۹۵ از ۸۰ میلیون جمعیت کشور، حدود ۶۰ میلیون نفر در شهر زندگی می‌کردند. تعداد دانشجویان در این سال حدود چهار میلیون نفر بود. یعنی به ازای هر ۲۰ نفر یک دانشجو داشتیم که نسبت به سال ۵۵، ۳۰ برابر شده است. در سال ۹۵ حدود ۴۷ میلیون نفر در فاصله سنی ۱۵ تا ۵۰ سال قرار داشتند جامعه ایران امروز بسیار شهری‌تر، تحصیلکرده‌تر و در بازه سنی اثربخشی و برخورداری از انرژی اجتماعی بیشتر از گذشته است. این جامعه با وجود اینترنت و گوشی همراه، دسترسی سریع‌تر و راحت‌تری به اطلاعات دارد. حدود ۱۱ میلیون نفر از زنان در سال ۱۳۵۵ فاقد سواد خواندن و نوشتن بودند. تنها ۴۸ هزار خانم دانشجو داشتیم».

این چند نفر می‌افزایند: همه مردم از قشر فقیر تا ثروتمند با کاهش سطح رفاه مواجه شده‌اند اما این کاهش برای قشر کم‌درآمد شدیدتر بوده. یک خانوار ایرانی به‌طور متوسط ۳۷ درصد کمتر از سال ۸۶ خرج می‌کند. سطح رفاه خانوار ایرانی دست کم ۳۷ درصد افت کرده است. اگر جامعه را به جای دهک‌بندی مرسوم،به سه گروه کم‌درآمد، متوسط و پردرآمد تقسیم کنیم متوجه می‌شویم تا سال ۹۱ قشر متوسط در کشور ما در حال بزرگ‌تر شدن بوده. وقتی قشر متوسط بزرگ می‌شود، مطالباتش به لحاظ سیاسی تغییر می‌کند و دگرگونی‌های دیگری فراتر از مطالبات رفاهی اتفاق می‌افتد. از سال ۹۱ به بعد این روند تغییر کرده به این معنا که قشر متوسط، کوچک و از دارایی‌اش مرتبا کم شده و فقیرتر شده است. از سال ۹۶ که تورم بالا رفت و رشد اقتصادی پایین آمد، عده زیادی از قشر ثروتمند به قشر متوسط آمدند و عده‌ای از قشر متوسط هم به قشر فقیر رفتند. در این مدت، اندازه قشر متوسط از ۵۸ درصد به ۵۲ درصد کاهش پیدا کرد. قشر ثروتمند از ۱۷ درصد به ۱۱ درصد کاهش یافت. قشر کم‌درآمد از ۲۵ درصد تبدیل به ۳۷ درصد شد یعنی درصدهایی که از دو قشر قبلی کم شدند به قشر کم‌درآمد افزوده شده‌اند. طبقه متوسط جامعه دریافته که وضعیتش به‌طور مستمر در حال بدتر شدن است و هر اتفاقی که افتاده اعم از تغییر دولت‌ها و دیگر تحولات سیاسی، برای او تغییری ایجادنشده و به‌طور مستمر وضعیتش بدتر شده است. به این ترتیب این اقشار تبدیل به مخالف سیاسی شده‌اند چون استدلال‌شان این بوده که دولت‌ها جدا از این‌که اصلاح‌طلب یا اصولگرا باشند، نمی‌توانند منافع‌شان را تأمین کنند».

اولا عناصر غربگرا تلویحاً اعتراف می‌کنند که تعداد افراد تحصیلکرده و زنان فعال در حوزه‌های مختلف، اصلا قابل مقایسه با دوره رژیم دست‌نشانده غرب (پهلوی) قابل مقایسه نیست.

ثانیا همین شبه‌کارشناسان سیاست‌باز اعتراف دارند که تا قبل از تشکیل دولت غربگرای مدعی اعتدال و اصلاحات، طبقه متوسط رو به رشد بوده اما در دوره روحانی، فقر و کوچک شدن سفره را تجربه کرده است. بنابراین این دو دوره با همدیگر قابل مقایسه نیست؛ چنان‌که مثلا در دولت قبل از روحانی ضریب‌جینی (نشانگر میزان طبقاتی) به شکل محسوسی رو به کاهش بود اما در دوره دولت غربگرا، این ضریب مجدداً افزایشی شد.

در حضور غربگرایان در دولت بود که برای دومین بار پس از دولت سازندگی، رکورد تورم شکست و گرانی ۷ تا ده برابری در اقلام و کالاهای مختلف (از مسکن و ارز و طلا و خودرو گرفته تا سایر کالاها و خدمات) رخ داد. همچنین دولت روحانی، بدهی ۱۵۰۰ هزار میلیاردی، کسری ۴۸۰ هزار میلیاردی و نقدینگی ۸ برابر شده را بر جا گذاشت که از عوامل مهم تورم بوده است. با این وجود شرم‌آور است که بانیان این کارنامه فاجعه‌بار، نقاب نقد و انتقاد به چهره زده و برای معیشت مردم اشک تمساح بریزند. از فجایع مدیریتی این طیف، حراج ۶۰ میلیارد دلار از ذخائر ارزی و ایجاد رانت چندصد هزار میلیاردی برای رانت‌خواران بود. تورم ۶۰ درصدی رکوردی است که در همین دوره و دولت ثبت شد.

روایت آفتاب یزد از نقش ویرانگر سیاست ارزی دولت روحانی

روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب یزد از قول یک فعال اقتصادی تاکید کرد: سیاست ارزی دولت سابق موجب ویرانی اقتصاد شد.

آفتاب یزد در بررسی تصمیمات ارزی دولت روحانی و تغییر آن در دولت جدید، از قول حسین انتظار نوشت: دولت سیزدهم، با هوشمندی اصلاحات اقتصادی را استارت زد. تا همین جای کار هم دستاوردهای جراحی اقتصادی مشخص است، درست است که در حال حاضر مردم مشکلات بی‌شمار مالی دارند و در کشور ما اقتصاد روزهای خوبی را نمی‌گذراند اما بدانید که اگر همین شروع جراحی اقتصادی اگر نبود وضعیت بدتر هم می‌شد و قیمت‌ها افسارگسیخته‌تر می‌شدند و دیگر با هیچ تاکتیک اقتصادی نمی‌شد جلوی قیمت‌ها را گرفت. باید مراقبت‌های بالینی انجام شود و صبوری کنیم تا این بیمار دوباره سرپا شود.

این فعال اقتصادی می‌افزاید: شاهد هستیم دولت آقای رئیسی بر روی کنترل تورم حساس و تا حدودی توانسته‌اند جلوی رشد تورم را بگیرند. جلوگیری از رشد تورم در همه جای دنیا یک دستور کلی دارد و آنها کاهش نقدینگی در سطح جامعه است، وقتی جلوی نقدینگی بی‌رویه در جامعه گرفته شود ناخودآگاه تورم کنترل می‌شود حالا اگر منفی هم نشود حداقل یک درصد قابل قبولی کاهش می‌یابد درست مانند همان کاری که آقای رئیسی کردند که موفق هم بود.

وی با بیان اینکه سیاست ارزی دولت روحانی موجب فروپاشی اقتصاد شد، گفت: متاسفانه در دولت آقای روحانی برای حمایت از مردم ضعیف که توان خریدشان صفر شده بود ارزهای ۴۲۰۰ به واردکنندگان ارائه شد که متاسفانه نه‌تنها به اقشار کم‌درآمد کمک نشد که سفره‌شان کوچک و کوچک‌تر شد.

دولتمردان قبلی فکر کردند با ارائه ارز ۴۲۰۰ مردم می‌توانند در سطح متوسط بمانند اما با سوءاستفاده برخی از واردکنندگان روبه‌رو شدند که نه تنها کالاهایی که با این ارز وارد کرده بودند را به قیمت منطقی نفروختند که اتفاقا با قیمت کف بازار در اختیار فروشنده قرار دادند و فروشنده هم طبیعتا سودش را لحاظ کرد و کالا را به فروش رساند و همین مسئله باعث شد بسیاری از مردم ضعیف قدرت خریدشان به صفر برسد و دیگر توان تهیه کالاهای اولیه زیست‌شان را هم نداشته باشند.

بعد اینکه ارز ۴۲۰۰ مسجل شد که به دست نااهلان افتاده بوده و ارائه آن قطع شد دولت تصمیم به ارائه ارز نیمایی کرد که آن هم هیچ دستاوردی جز زیاد شدن دست و همان دلالان در بازار نداشت.

گفت و شنود

زیرشلواری !

گفت: چه خبر؟!

گفتم: کجا چه خبر؟! در ایران یا آمریکا و اروپا و رژیم صهیونیستی و...؟!

گفت: هر دو طرف چه خبر؟!

گفتم: در ایران همه امور به روال عادی در جریان است، عده‌ای از پادوهای کاسه‌لیس دشمنان بیرونی و جوجه داعش‌ها دست به آشوب زدند که مثل اربابانشان ناکام ماندند ولی در رسانه‌های آمریکا و انگلیس و اسرائیل و... خبرهای داغی هست!

گفت: چه خبرهایی؟!

گفتم: در رسانه‌ها و فضای مجازی تحت کنترل خود ادعا می‌کنند که جمهوری اسلامی سقوط کرده و گروه‌های داعشی در حال تعیین نوع حکومت و انتخاب پرچم جدید برای ایران هستند!

گفت: حیوونکی‌ها!

گفتم: دزدی که وارد خانه‌ای شده بود از شدت خستگی خوابش برد و خواب دید که داره بزرگ‌ترین رشته ماکارونی دنیا رو می‌خوره! وقتی با لگد صاحب‌خونه از خواب پرید متوجه شد که نصف کِش زیرشلواریش رو خورده!

نکته

آقای «ابو ارّه» آن روز دور نیست!

**۱- از امیرالمومنین علی علیه‌السلام است که «رُدّ الْحَجَرَ مِنْ حَیثُ جاءَکَ فَاِنَّهُ لا یُرَدُّ الشَّرُّ اِلاّ بِالشَّرِّ ... سنگ را به همان سَمتی که از آنجا پرتاب شده است، پرتاب کن! زیرا بدی، جز با بدی، دفع نمی‌شود». برای کشوری که طی ۴۳